

()

شکست منتظران

نویسنده

شیخ ناظم عقیلی

۳ اهدا
۵ مقدمه
۸ پیامبر خدا نوح (ع)
۱۰ پیامبر خدا صالح (ع)
۱۱ پیامبر خدا موسی (ع)
۱۳ پیامبر خدا دانیال (ع)
۱۴ پیامبر خدا عیسی (ع)
۱۹ امام مهدی (ع)
۱۹ بشارت های از تورات و انجیل
۲۱ وعده به امام قائم (ع) در قرآن کریم
۲۳ بلاهای امت در غیبت امام مهدی (ع)
۲۷ شکست در شناخت امام مهدی (ع) و استقبال از ایشان
۲۹ شکست در همراهی و حرکت با امام مهدی (ع)
۳۲ خاتمه

إهداء

به او که پهلویش را شکستند ...

او که جنینش سقط شد...

او که حقش غصب شد ...

این تلاش ناچیز را مادر پدر و شفیع محبینش ، فاطمه زهرا(ع)

اهداء می کم ...

به شفاعت ایشان امیدوارم، در روزی که نه مال و نه فرزند نفعی دارد

جز آنان که با دلی پاک نزد خداوند متعال روی آورد ...

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

خداوند انس و جن و تمام دنیا را به این خاطر آفرید که او را عبادت کنند، تا عبادت قلبی و یک معرفت حقیقی نسبت به او پیدا کنند، و نه عبادت ظاهری که سودی برای صاحبش نداشته و ضرری را از او دفع نمی کند، و برای رسیدن به حقیقت و معرفت خدا، بایستی راههایی باشد که انسان را به این مقصد برساند، چرا که خداوند از صحبت مستقیماً و بدون واسطه با انسانها منزّه است بلکه برای اینکه انسانها خداوند را بشناسند خداوند فرستادگان و پیامبران را برای معرفت خود بصورت راه های آشکار فرستاد، و کسی که توفیق راهیابی به معرفت را پیدا کند و پیامبران و اوصیاء را الگو قرار داده و در راه آنان گام بردارد برحسب استعداد و صفای دل و پاکی فطرت به درجاتی از کمال می رسد اما اگر کور بوده و عاشق دنیا باشد از راه به در می شود و وارد جهنم می شود و مصداق این آیه (ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ)^(۱) (در تاریکی هایی بسیار فرو رود بطوریکه اگر دست خود را در مقابل دیدگانش قرار دهد آن را نمی بیند و هر که را خدای نور نبخشد هرگز روشنی نخواهد یافت)

و نکته مهم شناخت حال مردم در برخورد با پیامبران و دریافتن این نکته که چرا مردم آنها را تکذیب می کردند و چرا همیشه اکثریت فرستادگان را تکذیب می کردند و جواب سؤال در این آیه است

(وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ)

(وما برای آنها فرستادگانی ارسال کردیم و هر گاه که پیامبران ما آنها را به راه راست هدایت کردند چون به مذاق آنها خوش نمی آمد عده ای از آنها پیامبران را تکذیب کردند و عده ای دیگر پیامبران را کشتند)

وهوای نفس همان درخت خبیثه ای است که دارای شاخه های فراوان است که در دل کافران و اهل شک جوانه زده و آنها از جوانه های این درخت که مانند سر شیاطین است می خوردند و

شکم هایشان را از این تاریکی ها پر می کنند بطوریکه دیگر نمی توانند خودشان را ببینند جز هوای نفس اماره شان را که به هر سو بخواهد آنها را می کشد و آنها مصداق این گفته شاعر شدند که :

بني إنَّ من الرجال بهيمة
في صورة الرجل السميع المبصر
فطنٌ لكل رزية في ماله
وإذا أُصيب بدينه لم يشعر

فرزندم بعضی از انسانها ، نهاد حقیقت حیوانند که به صورت انسانی بینا و شنوا درآمده اند همه هوش و توان خود را در مورد اموالشان بکار می برند و از هر ضرری ناراحت می شوند و اگر در دین او ضرری حاصل شود اهمیتی نمی دهد .

و این سنت خداوند است که تغییر نمی یابد و آن هنگام که امتی از راه مستقیم خداوند دور می شود و احکام الهی را ترک می کنند و به سوی هوای نفس و دنیا و مناصب می روند که اتباعش فراوان است ... و هنگامی که پیامبر یا فرستاده با اخلاق آسمانی و احکام الهی که مخالف نفس انسانهای منحرف که اکثریت قشر جامعه را تشکیل می دهند می آید ، وهمان کسانی که تابع دنیا هستند ، این دعوت های الهی را تکذیب می کنند چرا که مخالف نفس آنان است و آنها به پیامبران دروغ ها و تهمت های فراوان نسبت می دهند سنتی که در تمامی زمان ها جاری بوده و به فرستادگان خدا می گفتند ساحر و مجنون و دروغگو و ...

و نکته ای را که می خواهیم بر آن تأکید کم این است که تمامی امت ها منتظر فرستاده موعود خود بودند و آنها را با تمامی اسم ها و صفات می شناختند و در زمان ظلم و ستمی که گریبان گر آنها بوده به سوی خدا تضرع و زاری و التماس می نمودند که برای آنها پیامبری بفرستد تا آنها را از این خفت و خواری نجات دهد ، ولیکن هنگامی که خداوند ، پیامبر موعود را با تعالیم الهی خود که بر خلاف امیالشان است می فرستد ، شروع به تکذیب او می کنند و اتهام جادوگری و جنون و دروغ را به او نسبت می دهند ، و از او روی می گردانند ، و برخی پا را فراتر نهاده و پیامبران را می کشتند یا به صلیب می کشیدند یا آنها را از شهرشان بیرون می راندند و این رویداد و حادثه بزرگ نیز دوباره با بازگشت امام مهدی (ع) تکرار می شود و همانگونه که در روایات ائمه آمده ما به او می گوئیم (ای پسر فاطمه بازگرد که ما را با تو کاری نیست

و به همین خاطر و با توکل بر خداوند و برای شناخت احوال بعضی از امت ها که منتظر انبیاء الهی بوده اند شروع به نوشتن این تحقیق متواضعانه کردم ، و هنگامی که در انتظار شکست خوردند و پیامبران را تکذیب کردند و آنها را بیرون راندند و به آنها گفتند که ما هیچ گونه احتیاجی به شما نداریم و آنچه پدرانمان می پرستیدند را عبادت می کنیم و ما شما را از گمراهان می بینیم .

و باید بدانیم که: شکست در انتظار بر دو نوع است :-

اولی: شکست در استقبال و معرفت پیامبر یا امام ، و دومی : شکست در همراهی پیامبر یا امام که بعد از استقبال و معرفت ایشان اتفاق می افتد، بطور مثال قوم نوح (ع) در استقبال و شناخت پیامبر خود شکست خوردند و قوم موسی (ع) از پیامبر خود استقبال کرده و ایشان را شناختند ولیکن در همراهی با او شکست خوردند ، و آن هنگام که فرعون آنها را تعقیب کرده و در کنار نیل آنها را محاصره کرد بنی اسرائیل گفتند که آنها به ما رسیدند و موسی به آنها گفت که خدا با من است و مرا هدایت می کند ، و آن هنگام که آنها را دعوت به جنگ کرد .

گفتند : **(فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ)** ^(۱) **(تو و خدایت بروید و بجنگید ما همین جا می نشینیم)**

و هنگامی که حضرت موسی (ع) به مدت ۴۰ روز از میان آنها رفت روی به اطاعت از سامری کرده و شروع به پرستیدن گوساله به جای خداوند شدند

و اما هنگام ظهور امام مهدی (ع) هر دو نوع شکست اتفاق خواهد افتاد ، پس قومی در معرفت و استقبال از ایشان شکست می خورند و البته آنها اکثریت مردم هستند ، و سپس کسانی که به او ایمان آورده اند و در همراهی ایشان شکست خواهند خوردند .

و این یک دعوتی است تا ما با تفکری عمیق به شناخت و مرور احوال و امت هایی را که در این راه شکست خورده اند، پردازیم و از آن پند بگیریم تا بار دیگر این وقایع برای ما تکرار نشود و راه آنان را نرویم . و از خداوند می خواهیم که به ما توفیق دهد که حق را بشناسیم و ما را در زمره یاری دهندگان آن حضرت قرار دهد که او شنوا و مجیب و پاسخ دهنده ندای منادیان است .
(آدم علیه السلام):

خداوند وعده خلق آدم (ع) و اختیار او به عنوان خلیفه در زمین را به فرشتگان داده بود و فرمود :
(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) **(من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت)**

و آن هنگام که خداوند آدم (ع) را آفرید به فرشتگان دستور داد تا برای او سجده کنند ، و همگی این کار را انجام داده جز ابلیس که امتناع کرده و تکبر نمود

و آن سخن معروفش را گفت: (قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)^(۱) (گفت: که من از او برترم مرا از آتش آفریدی و او را از گِل)

و ابلیس از فرشتگان محسوب می شد بلکه در میان فرشتگان به طاووس فرشتگان معروف بوده و هیچ مکانی بر روی زمین باقی نمانده بود که اثری از سجده های او بر آنجا نباشد و روایت شده که خدا را ۶۰۰ سال عبادت کرد و روایت شده که وی دو رکعت نماز را در مدت ۶۰۰ سال خواند و علیرغم تمامی اینها ابلیس در امتحان خداوندی شکست خورد و نافرمانی کرد و اولین شکست خورده در انتظار همان ابلیس است - که لعنت خدا بر او باد .

نوح علیه السلام :

ادریس پیامبر(ع) از شیعه خود غائب شد تا اینکه غذائی نزد آنها نماند و ظالمان خون بسیاری از آنها را ریختند و بقیه را ترساندند ، سپس ادریس ظهور کرد و مژده آمدن منجی آنها از سلاله خود یعنی نوح (ع) را داد و پس از آن خداوند ادریس(ع) را به آسمانها عروج داد و طرفدارانش قرن ها و نسل های بسیار منتظر قیام حضرت نوح(ع) بودند و بر ظلم ستمکاران صبر می کردند تا اینکه نوح ظهور کرد.^(۲)

و همان گونه که ذکر شد شیعه نوح منتظر ظهورش بودند و وعده او را شنیده بودند و او کسی بود که آنها را نجات می داد و این وعده ادریس پیامبر بود .

و لیکن نگاهی بیندازیم به قوم نوح که آیا او را تصدیق و یا آنکه او را انکار کردند و به عبارت دیگر آیا در امتحان انتظار موفق شدند یا شکست خوردند ؟

صاحب کتاب إلزام الناصب به نقل از کتاب اکمال دین شیخ صدوق داستان نوح(ع) با قوم خود هنگام بعثت را نقل می کند (در هنگامی که پس از شداید و سختی های بسیار نوح ظهور کرد ولی مردم او را قبول نکرده بلکه به مخالفت با او پرداختند و وی را مورد ضرب و شتم قرار می دادند طوری که بعضی اوقات تا سه روز بیهوش می شد و در حالیکه به هوش می آمد که از گوشش خون بیرون می آمد و پس از گذشت ۳۰۰ سال از دعوت ایشان مردم به او روی نمی آوردند و او آنها را به طور مخفیانه یا علنی دعوت کرد ولی آنها فرار می کردند تا آنکه در روزی بعد از نماز صبح برای دعا نشست که سه فرشته از آسمان هفتم در صبحگاه بر او نازل شدند و به او گفتند : که از

۱ - ص: ۷۶.

۲ - إلزام الناصب ۲۵۲.

تو خواسته ای داریم ، فرمود: بگوئید ، گفتند ، که دعای خود را از این مردم دریغ دار و این اولین خشم خدا بر این قوم است. فرمود: دعوت خود را تا ۳۰۰ سال دیگر به تاخیر می اندازم . و پس از انقضای آن مدت نوح دعوت خود را همانند قبل بر آنها ادامه داد ولی باز هم آنها به همان رفتار سابق خود ادامه دادند تا آنکه در ظهرگاه روزی برای دعاء نشست و سه فرشته از آسمان ششم بر او نازل شدند و آنچه را که سه ملک و فرشته از آسمان هفتم طلب کرده بودند طلب کردند و نوح نیز همان جواب را به آنها داد و پس از گذشت آن مدت نوح دوباره آنها را دعوت کرد ولی باز هم همان رفتار گذشته را داشتند تا اینکه اندک شیعه او که به او ایمان آورده بودند نزد وی آمدند و از ستم ظالمان به نوح شکایت کردند ، نوح استجابت کرد و دعا کرد، جبرئیل بر او نازل شد و به او گفت : به شیعه خود بگو که محصول خرماي امسال را بخورند و دانه آنها بکارند که اگر ثمر این دانه به بار نشست فرج آنان نزدیک است یعنی عذاب خداوند بر کافران نازل می شود ، آنها خوشحال شدند و محصول را خوردند و دانه های آنها کاشتند ، پس از به ثمر نشستن دانه ها آنها نزد نوح آمدند ، جبرئیل بار دیگر بر او نازل شد و گفت : که بایستی محصول امسال را هم بخورند و دانه های آن را بکارند اگر محصول این بار به ثمر نشست آن وقت است که فرجشان می رسد ، عده ای با این باور که نوح می خواهد خلف وعده کند به او پشت کردند یعنی یک سوّم آنها رفته و دو سوّم بر دین خود باقی ماندند. پس از آن دوباره آنان محصول را خوردند و دانه ها را کاشتند و باز هم همان داستان بالا تکرار شد و این بار نیز یک سوّم دیگر از نوح روی گرداندند و یک سوّم باقی مانده دوباره محصول را خوردند و دانه ها را کاشتند و آن هنگام که ثمر داد به نزد نوح آمدند و از او طلب کردند که به وعده اش عمل کند چرا که آنها یک عده بسیار کمی باقی مانده بودند و می ترسیدند که آنان نیز از راه به درشوند ، نوح نماز خواند و از خدا دعا کرد و خدا نیز دعای او را اجابت کرد و به او گفت که کشتی را بساز و بین ساختن کشتی تا طوفان پنجاه سال فاصله بود. ^(۱)

و آن هنگام که نوح شروع به ساخت کشتی نمود عده ای او را به باد مسخره می گرفتند و او به آنها می گفت :

(إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ * فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ) ^(۲) (اگر امروز شما ما را مسخره می کنید ما هم روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این بدانید

۱ - الزام الناصب ص ۲۴۱ ، اکمال الدین ۱۶۴ .

۲ - هود ۳۸ - ۳۹ .

* و معلوم شما شود که ما و شما کدام به عذاب ذلت و خواری گرفتار عذاب دائم خدا را مستوجب خواهیم شد)

طوفان آمد و نوح و یاران ایشان که در انتظار خود پیروز شدند نجات یافتند و کافران شکست خوردند چرا که پیامبر موعود خود را نشناختند .
و اهل دل و بصیرت که از نظر تعداد در اقلیت بودند در انتظار پیروز شدند و با استناد به کتب تاریخ تعداد آنها ۸۰ نفر بوده است .

پیامبر خدا صالح (ع):

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: (صالح پیامبر مدتی از انظار قومش دور بود و آن هنگام که غیبت کرد جوانی رعنا و زیبا با ریشی پرپشت و چهار شانه بود ، و آن هنگام که دوباره به سوی مردم خود بازگشت او را به قیافه نشناختند و مردم آن زمان بر سه طبقه تقسیم شدند. یک گروه منکر که اصلاً از حرف خود باز نمی گشتند ، و گروه دوّم که شک داشتند و گروه سوّم که یقین داشتند او باز می گردد ، و هنگامی که بازگشت در ابتدا به سراغ طبقه دوّم و اهل شک رفت ولی آنها او را نپذیرفتند و بعد به سراغ گروه اوّل رفت ؛ آنها نیز او را مسخره کردند و گفتند که صالح فرد دیگری است پس از آن به سراغ گروه سوّم رفت. به او گفتند که ما به تو ایمان می آوریم و می دانیم که خداوند بر همه چیز تواناست ولی ما نیز دلایلی داریم که بوسیله آن دلایل که آسمانی بوده می توانیم منجی را بشناسیم ، صالح گفت: که من آورنده آن ناچه ام ، گفتند :راست می گوئی ، آیا می توانی نشانه های آن را به ما بدهی ؟ گفت: که این ناچه یک روز از آب می خورد و روز بعد شماًید که می توانید از آن آب بنوشید گفتند :ما به تو ایمان می آوریم ، و در اینجا است که قرآن می فرمود :

(أن صالحاً مرسل من ربه) (فقال : أهل اليقين) (**إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ** * **قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا**) (وهم الشكك والجداد) **إِنَّا بِالَّذِي آمَنُكُمْ بِهِ كَافِرُونَ**)^(۱) (مؤمنان جواب دادند بلی ما بر این عالم و مطمئنیم ما بی هیچ شك و آئینی که از طرف خدا بر او فرستاده شده ایمان داریم * متکبران بی ایمان گفتند ما هم بی هیچی شك به آنچه شما ایمان دارید کافریم)^(۲)

و من می گویم که این قوم صالح نیز در امتحان شکست خوردند و اکثر آنها از امتحان سربلند بیرون نیامدند و عذاب خداوندی شامل حال کافران شد و ایمانی که در ابتدای رسالتش به او آورده بودند

۱ - أعراف: ۷۵-۷۶.

۲ - کمال دین: ج ۱ ص ۱۶۸.

بعد از اینکه خداوند آنها را با غیبت صالح (ع) امتحان نمود ، در آخر امر نفعی برایشان نداشت. و این حال تمامی کسانی که منتظر امام مهدی (ع) هستند در حالیکه او جوان ظهور می کند و همه اعتقاد دارند که او مسن است.

و از امام صادق (ع) آمده است (که اگر قائم ظهور کند مردم او را انکار می کنند چرا که او بصورت جوانی موفق ظاهر می شود مگر آنکسی که خداوند در عالم ذر اوّل از او پیمان گرفته است) . و در روایتی دیگر از امام صادق (ع) که فرمود: (و بزرگترین امتحان آنست که صاحب آنها جوان ظاهر می شود در حالیکه انتظار دارند که او پیر است) ^(۱).

حضرت موسی (ع):

از پیامبر (ص) روایت شده است که (آن هنگام که یوسف در حال احتضار بود اطرافیان او یارانش را جمع کرد و برای آنها سختی هایی را که خواهند دید و اینکه مردانشان کشته می شوند و شکم زنان باردار دریده می شود و نوزادانشان را می کشند خبر داد ؛ و به آنها گفت که این اتفاق تا زمان ظهور حقّ که او فرزندی از فرزندان یعقوب است ادامه خواهد داشت. و او مردی است سبزه و بلند قد و تمامی مشخصات ایشان را برای آنها شرح داد و به آن تمسک جستند تا اینکه در زمان غیبتش شدايد بر بنی اسرائیل سرازير شد و آنها به مدت چهارصد سال منتظر قیام قائم بودند تا اینکه بشارت ولادتش را دادند و علامات ظهورش را دیدند و سختیها بر آنها فراوان گشت و مجبور شدند که بیشتر کار کنند ، و آنها از فقیه خود خواستند که در مورد ظهور با آنها صحبت کند ولی او قبول نکرد ، کسی را به نزد او فرستادند و گفتند که ما در وقت شدايد با سخنان شما دلگرم می شویم و وی آنها را به صحرا برد و در آنجا حدیث قائم را برای آنها بازگو کرد و به آنها گفت که ظهورش نزدیک است ؛ و در آن هنگام موسی (ع) برای هدایت آنها ظهور کرد و او جوانی نزد فرعون بود و بر آنان با هیئتی که از ناز و نعمت بود خبر می داد ظاهر شد سوار بر قاطر و با لباس پوستین که بر تن داشت ، فقیه وقتی او را دید شناخت و خم شد و گفت :خدا را شکر که مردم و ناجی بنی اسرائیل را دیدم و مردم فهمیدند که او موسی است سجده کردند و خدا را شکر گفتند و موسی چیزی جز آن که خداوند فرجتان را نزدیک گرداند نگفت و پس از آن به مدت پنجاه و اندی سال به شهر مدین رفت و دوباره از نظرها غایب شد و این بار سختگیری ها بیشتر شد و مردم بار دیگر به فقیه رفتند و او پنهان شده بود ، کسی را به نزد او فرستادند و گفتند که ما دیگر صبری

نداریم و تو پنهان شدی ، پس وی به صحرا رفت و آنها را به خویشنداری دعوت کرد و گفت : که فرج آنها ۴۰ سال دیگر است و همگی خدا را شکر گفتند و خداوند بخاطر این سخنشان آن را ۳۰ سال قرار داد .

سپس گفتند : که تمامی نعمت ها از خداوند است ، خداوند به او وحی کرد که این مدت را ۲۰ سال قرار دادم ، سپس خداوند به او وحی کرد و گفت که به آنها بگو نروند چرا که فرجشان را در همین ساعت قرار دادم بعد موسی ظاهر شد در حالیکه سوار بر دراز گوشی بود ، فقیه خواست تا آنچه که او می داند را نیز یارانش بدانند ، نزدیک شد و سلام کرد و گفت: تو کیستی ؟ گفت: موسی ، فقیه گفت: فرزند کی هستی ؟ گفت : فرزند آل عمران ، فقیه گفت : فرزند کی ؟ گفت : فرزند قاهب فرزند لاوی فرزند یعقوب ، فقیه گفت : برای چه به اینجا آمدی ؟ گفت : که من رسالتی از طرف پروردگار دارم ، فقیه بلند شد و دست او را بوسید سپس باهم نشستند و پس از مدتی دستور تفرق آنها را داد و بین آن جلسه تا فرجشان ۴۰ سال وقت و فاصله بود. ^(۱)

این قصه وعده قیام موسی (ع) و غیبت ایشان و سختی هایی را که مردم در آن زمان کشیده بودند. و محل شاهد ما در اینجاست که آیا بنی اسرائیل به موسی ایمان آوردند و او را یاری کردند یا اینکه در انتظار موسی و تکذیب او شکست خوردند.

بسیاری از قوم بنی اسرائیل به موسی (ع) ایمان آوردند و لیکن در ادامه مسیر و حرکت با ایشان شکست خوردند

و آنها بر پنج دسته تقسیم می شوند :-

گروه اوّل : که به تبعیت از طاغوت زمان خود فرعون ملعون پرداختند و اینان صاحبان جاه و مقام بودند همان کسانی که ترس از حکومت فرعون بر آنها چیره شد .

گروه دوّم: که تابع بلعم بن باعوراء و او فقیه و عالم آن زمان بود که ۱۲ هزار نفر نویسنده زیر دست او می نوشتند و وی علوم الهی را تدریس می کرد و دارای جزئی یا همه اسم اعظم بود همانگونه که بعضی از روایات او را توصیف می کنند. به کتاب قصص الأنبياء تألیف نعمة الله جزایری مراجعه کنید .

و به رغم تمامی این علوم دینی و منزلت او طلب فرعون را هنگامی که از او خواست تا موسی و قومش را بوسیله اسم اعظم نفرین کند بخاطر پول و جاه و مقام و تقرب به فرعون پیشنهاد را قبول کرد و خداوند در ذم او فرمود :

(وَأْتِلْ عَلَيْهِمْ تَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ) ^(۱) (و بخوان بر این مردم حکایت آن کس را که ما آیات خود را به او عطا کردیم از آن آیات به عصیان سر پیچید چنانچه شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان عالم گردید)

گروه سوم: فرقه ای که از سامری تبعیت کردند آن هنگام که برای آنان گوساله ای از طلا درست کرد و به آنها گفت که این خداوند شما است و موسی به شما دروغ گفته و آن هنگامی بود که موسی بمدت چهل شب برای ملاقات خداوند رفته بود و سامری از اولین انصار موسی (ع) بوده و جبرئیل را می دید و لکن شیطان او را فریب داد و از

راه حق منحرف ساخت پس از غیبت موسی (ع) استفاده کرد و گوساله ای ساخت و آنها را به عبادت آن امر کرد و آن هنگام که بر عبادت گوساله اصرار ورزیدند، مردم بسیاری را گمراه ساخت.

گروه چهارم: آن دسته از بنی اسرائیل که از موسی نافرمانی کردند و مثلاً هنگامی که آنها را به جنگ امر کرد به ایشان می گفتند: که تو و پروردگارت بروید و بجنگید و ما همین جا نشستیم، و از رفتن به جنگ خوداری کردند.

گروه پنجم: و آنها اقلیت بنی اسرائیل هستند که به موسی (ع) ایمان آوردند و در همراهی او نیز موفق بودند چرا که آنها نور خدا را دیدند و باور کردند و در این راه از سرزنش هیچ کس نهراسیدند و که خوشحال آنان باد .

وسنت خداوند با موسی (ع) موعود و مصلح قوم بنی اسرائیل نیز تکرار شد و اندک افرادی به او ایمان آورده بودند و اکثر مردمی که در انتظار فرجش بودند شکست خوردند و به او انواع اتهامات مثل سحر و جادوگر و دروغ و غیره را زدند .

دانیال پیامبر (ع):

پس از مرگ سلیمان پیامبر (ع) جانشین ایشان آصف بن برخیا (ع) بود و شیعه او جواب احکام دینی را از ایشان می گرفتند و او نیز مدتی از انظار انسان ها دور شد و سپس بازگشت تا آنگاه که

خداوند خواست او را برای همیشه از نظرها پنهان کند ، مردم از او پرسیدند : بار دیگر کی می توانند او را ببینند و محل ملاقات کجاست ؟ گفت: نزد صراط ، پس از آن از نظرها غائب شد و بلاها و مصیبت های فراوانی بر قوم بنی اسرائیل نازل گشت تا اینکه خداوند چهارنفر از اهل بیت یهوذا را برگزید و

دانیال از آنها بود و از فرزندان هارون نیز عزیر را برگزید و آنها کودکانی بیش نبودند و بنی اسرائیل به شدت در سختی بودند ، پس از آن نیز دانیال پیامبر توسط بخت النصر که لعنت خدا بر او باد دستگیر شد و به مدت نود سال به زندان افکنده شد و پس از آنکه بخت النصر فهمید که او همان پیامبر موعود یهود است او را در چاهی افکند که در آن شیری گرسنه را نگهداری می کردند ، تا او را بخورد ولی شیر این کار را نکرد پس از آن بخت النصر دستور داد که برایش غذا نبرند تا از گرسنگی بمیرد ولی خداوند همیشه توسط یکی از پیامبرانش برایش غذا می برد و او روز را روزه می گرفت و شب ها با آن غذا افطار می کرد. و سختی های بسیاری بر قوم بنی اسرائیل رفت و بسیاری از آنان بخاطر طولانی شدن مدت انتظار در دین شک کردند ، و شبی بخت النصر در خواب دید که تمامی فرشتگان از آسمان بر زمین آمدند و وارد آن چاهی که دانیال در آن بود شدند و به او سلام کردند و مژده فرج را دادند ، بیدار شد و به آنجا رفت و دستور آزادی دانیال را داد و از او بخاطر این کار معذرت خواست و امور مملکت و قضا را بدست او سپرد ، پس از خروجش مردم و شیعه او به دورش حلقه زدند در حالیکه به ظهور او یقین داشتند فقط تعداد اندکی از مرم بر راهش باقی ماندند و او مدت زیادی در میان آنان نماند تا اینکه فوت کرد و پس از او امور کارها به عزیر واگذار شد.^(۱)

عیسی (علیه السلام):

بلایا بر قوم بنی اسرائیل شدت می یافت تا اینکه یحیی بن زکریا (ع) متولد شد و به سن نه سالگی رسید و پس از آن در مجلسی خطبه ای را بیان کرد که ابتدا به مدح و ثنای خداوند پرداخت و سپس روزهای خدا را برای آنها یادآور شد و پس از آن به آنها گفت که بلاهای صالحین بخاطر گناهان امت بوده و عاقبت از آن متقین است ، و آنها را به ظهور مسیح پس از بیست و اندی سال وعده داد و آن هنگامی که مسیح متولد شد خداوند امر ولادت او را مخفی نگه داشتند و او را از

نظرها پنهان کرد ، چرا که مریم آن هنگام که آستن بود خود را مخفی کرد و در جایی عزلت پیشه گرفت ، بعد از آن زکریا و خاله مریم آمدند که امر مسیح را بازگو کنند که دیدند مردم به سمت مریم هجوم بردند و او را با فرزندش دیدند و مریم گفت: **(یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا منسیا) (ای کاش من قبل از این مرده بودم یا فراموش می شدم)**

و خداوند زبان او را به عذرش و اظهار حجتش باز نمود و پس از ظهور او بلاهای بسیاری بر بنی اسرائیل فرود آمد و آنها ظلم بیشتری را از طواغیت و ستمکاران روزگار دیدند تا اینکه آنچه که خداوند در مورد مسیح به آنها گفته بود همگی به حقیقت پیوست.^(۱)

و این علماء غیر عامل بزرگترین دشمن عیسی (ع) علمای بنی اسرائیل بودند که از مسیر اصلی تعلیمات موسی (ع) منحرف شده و بوسیله اموال فقراء و بیچارگان یک زندگی مرفهی را برای خود دست و پا کرده بودند

و این علماء غیر عامل و در رأس آنها سردسته دینی قوم بنی اسرائیل (حنانیا) به شدت بر علیه عیسی (ع) برخاسته اند در حالی که می دانستند او همان پیامبر موعود است و در این راه بسیاری از بنی اسرائیل را با خود همراه کرده بودند و در این هنگام بزرگترین کار عیسی (ع) رسوا نمودن این گروه گمراه و کشف حقیقت آنان برای مردم بود.

عیسی (ع) با کلماتی زندگی مرفه علماء را به زیر سؤال برده و می فرمودند (خادم من دستان و جنبنده من پاهایم هستند و فرش من زمین و بالشت من سنگ است و در زمستان خودم را با شروق آفتاب بر زمین گرم می کنم و در شب نور و چراغ من ماه است و با گرسنگی به سرمی کم و شعار و و لباسم از پشم زیر است و میوه و سبزی ام آنچه در زمین برای وحوش و حیوانات می روید و صبح را به شب و شب را به صبح می رسانم در حالیکه هیچ چیزی ندارم ولی با این حال بر روی زمین هیچکس از من ثروتمند تر نیست.^(۲)

و همین طور در نکوهش علماء بنی اسرائیل می فرمود: (آنها را ترک کنید که خود آنها کور و عده ای کور دیگر را رهبری می کنند و اگر کوری کور، دیگر را هدایت کند هر دو با هم در چاه می افتند) و همین طور می فرماید: معلمان شریعت و فریسیون (طائفه ای از یهود) بر کرسی موسی تکیه زدند پس به آنچه می گویند گوش فرا دهید و به آن عمل کنید ولی همانند اعمال آنها را انجام ندهید چون

۱ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۵۶ ، اکمال الدین: ص ۱۵۹ .

۲ - إرشاد القلوب مؤلف دیلمی ، قصص الانبیاء مؤلف جزائری .

به هر آنچه را می گویند عمل نمی کند...وای بر شما ای معلمان شریعت درهای ملکوت را بر انسان ها می بندید و نه خود وارد می شوید و نمی گذارید که دیگران داخل شوند ، وای بر شما ای معلمان شریعت و فریسیون که شما از خانه بیوه زنان می دزدید و می خورید در حالیکه به نماز طولانی و عبادت تظاهر می کنید ای رهبران کور دل بدانید که خداوند شدید ترین عذاب ها را برای شما در نظر می گیرد.

و در نتیجه علماء و شاگردان و پیروان آنها و اکثریت مردم و طاغوت زمان بیلاطس در انتظار ظهور عیسی (ع) شکست خوردند .

(پیامبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و اله وسلم)

همه پیامبران و فرستادگان به رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) بشارت داده بودند خداوند می فرماید: (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْانجِيلِ) ^(۱) (ایشان و نشانه هایش را در تورات و انجیل می یابند)

خداوند می فرماید: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْانجِيلِ) ^(۲) (محمد پیامبر خدا و کسانی که با ایشان بودند بر کفار سختگیر و بین خودشان مهربان هستند آنها را در حال رکوع و سجود می بینی و به دنبال فضل و نعمت خداوندی و بهشت اویند آثار سجود بر پیشانی آنها نقش بسته و این نشانه هایی است که در تورات و انجیل نیز آن را می یابی)

یهود و مسیح منتظر پیامبر خدا(ص) بودند و ایشان را همانگونه که فرزندان خود را می شناسند از ایشان (ص) شناخت کامل داشتند و خداوند می فرمود: (وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ) ^(۳) (و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد با وجودی که کتاب تورات ایشان را تصدیق می کرد و با آنکه خود آنها پیش از بعثت انتظار فتح و غلبه به واسطه ظهور پیغمبر خاتم بر کافران داشتند آنگاه که آمد و با مشخصات شناختند که همان پیغمبر موعود است باز کافر شدند و به نعمت وجود ایشان ناسپاسی کردند که خشم خدا بر گروه کافران باد)

۱ - اعراف: ۱۵۷.

۲ - فتح: ۲۹.

۳ - بقره: ۸۹.

و در جای دیگر می فرماید: **(يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ)**^(۱) (آن گونه که فرزندان ایشان را می شناسند او را می شناختند)

امام حسن عسکری (ع) می فرماید: خداوند یهود را سرزنش کرده و فرمودند: و لما جاءهم (منظور هنگامی که برای یهود و برادران آنها آمد) و کتاب از نزد پروردگار (قرآن) تصدیق کننده (آن کتاب لما معهم (یعنی تورات آمد که در آن آمده است که محمد امی (ص) از فرزندان اسماعیل مؤید بهترین خلق خداوند است و بعد از ایشان علی جانشین و خلیفه خداوند است) و كانوا (یعنی این یهود) قبل از (ظهور پیامبر) بیفتحون (یعنی از خدا می خواستند که فتح و پیروزی شان را نزدیک گرداند) علی الذین کفروا (بر دشمنان ایشان و مخالفان ایشان و خداوند ایشان را یاری می داد و پیروز می کرد خداوند فرمود (فلما جاءهم) وقتی که برای این یهودیها آمد (ما عرفوا) اوصاف پیامبر را نشناختند (کفروا به) نبوت او را بخاطر حسادت و دشمنی با ایشان انکار کردند و خداوند فرمود: و لعنة الله على الكافرين (و لعنت خدا بر کافرین باد)^(۲)

از اسحاق ابن عمار آمده که روزی از امام حسین (ع) در مورد معنی این آیه پرسیدم: **(وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ)**^(۳) (و با آنکه خود آنها پیش از بعثت انتظار فتح و غلبه به واسطه ظهور پیغمبر خاتم بر کافران داشتند آنگاه که آمد و با مشخصات شناختند که همان پیغمبر موعود است باز کافر شدند و به نعمت وجود ایشان ناسپاسی کردند که خشم خدا بر گروه کافران باد)

فرمود: در زمان ما بین پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و حضرت عیسی (ع) قومی بودند که به مشرکان می گفتند: اگر رسول خدا ظهور کند بت های شما را خواهد شکست و وعده و وعید می دادند و تهدید می کردند و آنگاه که رسول خدا (ص) خروج کرد به ایشان کفر ورزیدند.^(۴)

از اصبع ابن بناته از حضرت علی (ع) فرمود: و اما اصحاب المشأمة همان یهود و مسیح هستند که

۱ - بقره: ۱۴۶.

۲ - تفسیر البرهان: ص ۱۲۶.

۳ - بقره: ۸۹.

۴ - تفسیر البرهان: ج ۱ ص ۱۲۸.

خداوند عز و جل می فرماید: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ) ^(۱) (آنهايي که کتاب را به آنها دادیم او را می شناسند همانگونه که فرزندانشان را می شناسند) محمد(ص) و ولایت را در تورات و انجیل را می شناسند همانگونه که فرزندان خود را در خانه خود می شناسند: (الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) ^(۲) (حق از جانب پروردگارت است و از مشرکین نباش)

و هنگامی که به آنچه از قبل شناخت داشته منکر شدند خداوند آنها را بدین وسیله مورد امتحان قرار داده و روح ایمان را از آنها سلب کرد و سه روح را در بدن آنها مستقر کرد، روح قدرت و روح شهوت و روح جسم را و آنها را در زمره چهار پایان قرار داد:

(إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ) (اینان مانند چهار پایانند)

چرا که چهار پایان بوسیله روح قدرت تحمل حمل اشیاء را داشته و با روح شهوت علف می خورند و می خوابند و با روح بدن حرکت و سیر می کند. ^(۳)

و به همین خاطر یهود همراه با اوس و خزرج ساکن مدینه شدند چونکه آنها اطلاع داشتند که محمد خاتم(ص) در نهایت به این مکان مهاجرت خواهد کرد و هنگامی که محمد(ص) مبعوث شد و به مدینه آمد، چون مطابق هوای نفسانی آنها نبود به ایشان کفر کرده و اتهام دروغ، سحر و جادو و شاعری و دیگر اتهاماتی که به انبیاء پیشین گفته بودند را به رسول اکرم(ص) نسبت دادند.

خداوند در قرآن می فرمود: (أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ) ^(۴) (هرگاه فرستاده ای نزد شما آمد چون مطابق هوای نفسانی شما نبود به ایشان تکبر کرده و بعضی از شما فرستادگان را متهم به دروغ و عده ای دیگر آنها را می کشید)

و منتظران حضرت محمد(ص) همان یهود و علماء آنها و مسیح و علماء آنها و احناف و علماء آنها بودند که در انتظار خود مگر عده ای اندک، همگی شکست خوردند و رسول اکرم(ص) شدیدترین سختی ها را از دست کسانی که کافر شدند، کشید و حتی گاهی اوقات پیامبر(ص) را با سنگ می زدند و آنقدر به اذیت و آزار خود ادامه می دادند بطوری که پیامبر(ص) از بدنشان خون جاری می شد و

۱ - بقره: ۱۴۶.

۲ - بقره: ۱۴۷.

۳ - تفسیر البرهان: ج ۱ ص ۱۶۱.

۴ - بقره: ۸۷.

از شدت این آزار غش می نمودند ولی با این حال این خواست خدا بود که دینش را با محمد (ص) و علی (ع) و خدیجه (ع) شروع کند و سپس منتشر شود و سراسر دنیا را فرا بگیرد. خداوند می فرمود:

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (می خواهند که با دهانشان نور خدا را خاموش کنند ولی خدا می خواهد که نورش را گسترش دهد و منتشر کند اگر چه به مذاق کافران خوش نیاید)

(امام مهدی عیه السلام):

قضیه انتظار برای مصلحی که در آخر زمان می آید را نزد همه دیانات سابق می یابید و همه انبیاء و فرستادگان به قیام قائم (ع) بشارت دادند. و او از ذریت پیامبر خاتم محمد (ص) و دوازدهمین خلیفه ایشان است.

اما یهود همان گونه که به پیامبری عیسی (ع) و محمد (ص) ایمان نیاوردند اعتقاد دارند که مصلح که در آخر زمان می آید همان پیامبر خدا ایلیا است که خدا ایشان را به آسمانها برده و در آخر الزمان ظهور می کند. و مسیح همان گونه که به پیامبری محمد (ص) ایمان نیاوردند اعتقاد دارند که حضرت عیسی (ع) همان مصلح منتظر که در آخر الزمان ظهور می کند و ایشان به آسمان بالا برده شد و در نهایت در آخر الزمان به زمین باز می گردد و زمین را بعد از خراب آن اصلاح می کند.

ولی این اعتقاد همانند دو گروه دیگر قابل قبول نیست چون کتب انجیل و تورات به صراحت بر آمدن پیامبر خاتم محمد (ص) تأکید کرده و قائم از نسل و دوازدهمین خلیفه ایشان (ص) است و اوست که زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پرشده از عدل و داد پر می کند، و در نهایت ایلیا (ع) و عیسی (ع) و خضر (ع) همگی جهت یاری امام مهدی (ع) محمد بن حسن عسگری در آخر الزمان باز خواهند گشت.

و برای اثبات این قضیه بعضی از بشارت های را که در تورات و انجیل و قرآن و سنت نبوی آمده را بیان می کنیم که همگی بر این نکته بشارت و تأکید می کنند که مصلح و قائم محمد بن الحسن العسگری و از نسل رسول خدا و دوازدهمین خلیفه ایشان است.

اولاً: بشارت های از تورات و انجیل

از اقبال از ابی المفضل در حدیثی طولانی آمده که علمای مسیح نجران صحیفه بزرگ آدم (ع) را آورده و از آن در مورد پیامبر (ص) و صفات ایشان و صفات اهل بیت و جانشینان پس از ایشان و منزلت آنها در نزد خداوند عزوجل حدیث طولانی را نقل کردند تا اینکه گفت: سپس مردم بر آنچه که

بر موسی نازل شده رفتند و این جمله را از سفر دوم از تورات حذف کردند: من رسولی از ذریه اسماعیل را در میان مردم

امی می فرستم و کتابم را بر او نازل کرده و او را با شریعت ارزشمند به سوی تمامی خلایق روانه می کنم، از حکمت خویش به او می دهم و با فرشتگان و سربازان خویش او را تأیید می نمایم، ذریه او را از دخترش مبارک ایشان قرار دادم و سپس از ذریه ایشان دو فرزند برومند مانند اسماعیل و إسحاق که از دو اصالت برای دو ملت بزرگ هستند، بزرگترین ملت که ۱۲ خلیفه از میان آنها ست که رسالت محمد (ص) و آنچه را که من به او وحی کردم کامل می کنند و برای محمد و با آنچه ایشان را ارسال نمود بلاغ و حکمت دینی را کامل کرده و پیامبران و فرستادگان خود را با او خاتمه می دهم پس ساعت بر محمد (ص) و امت ایشان بر پا می شود. (۱)

در حسام الشیعه فصل اول از کتاب صفینا آمده: نزدیکی ظهور صاحب الأمر، روزگار تلخی خواهد بود و شجاعان از آن فرار می کنند و قلب ها ناراحت و احوال مردم پریشان است، ظلمت و درد و طوفان و گرد و خاک زیاد می گردد و سر و صدای بلند دامنگیر شهر های آباد و خانه ها می شود، و مردم پریشان احوال و همانند کوران راه می روند چرا که آنها عصیان امر صاحب را کرده اند و خون هایشان ریخته می شود و جسد هایشان له می شود و در آن روز دیگر طلا و نقره شان به دردشان نمی خورد چرا که آن روز، روز غصب و خشم صاحب است و خشم او تمامی زمین را در بر می گیرد. (۲)

و از عبدالله بن سلیمان که اهل مطالعه کتب بود گفت که در انجیل وصف پیامبر (ص) را خواندم تا آنگاه که گفت خدای تبارک و تعالی به عیسی (ع) فرمودند: من تو را به نزد خویش می آورم و در آخر الزمان تو را دوباره به زمین باز می گردانم، تا از امت محمد (ص) عجائب فراوانی را ببینی، و تا اینکه آنها در نابود کردن دجال ملعون یاری نمایی، تو را در وقت نماز فرو می فرستم تا با آنها نماز بخوانی چرا که آنها امت مرحومی هستند. (۳)

و برای مطالعه مطالب بیشتر در این خصوص خواننده گرامی به جلد اول کتاب الزام الناصب مراجعه کنید چونکه در این کتاب سی و شش بشارت از کتب انبیاء پیشین آمده است.

۱ - اقبال الاعمال: ۲/ ۲۴۰، الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۳۰.

۲ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۴۱.

۳ - الزام الناصب ج ۱ ص ۱۴۹

وعده به امام قائم (ع) در قرآن کریم

خداوند متعال می فرماید: (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ^(۱) (کافران می خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن و مسخره خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت *اوست خدائی که فرستاده خود را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا او را هر چند کافران خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند) حضرت (ع) فرمودند: (هنگام خروج قائم آل محمد (ع) دین خداوند گسترش می یابد و همگی به دین اسلام می گرایند و این معنای سخن ، جهان را پر از عدل و داد می کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است) ^(۲)

از امام جعفر صادق (ع) در مورد قول خداوند متعال آمده است:

(يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ) (و آن روزی که بعضی از نشانه های خداوند آشکار می شود دیگر ایمان آن بندگان که از قبل ایمان نیاورده اند فایده ای ندارد)

امام (ع) در تأویل این آیه فرمودند: منظور از آیات ائمه هستند و آیه منتظره همان قائم است و اگر شخصی قبل از قیام با شمشیر به ایشان ایمان نداشته باشد اگر چه به پدرانش ایمان داشته باشد دیگر آن ایمان به دردش نمی خورد). ^(۳)

خداوند متعال فرمودند: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهًا مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ) ^(۴) (کیست که به یاری مظلومان بشتابد و بلاهایشان را حل کند و شما را خلیفه خود در زمین قرار دهد آیا خدایی دیگر با خدا هست تعداد کمی از شما فقط به یاد می آورید)

از امام باقر (ع) در مورد تأویل این آیه (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ) آمده است این آیه در مورد قائم (ع) نازل شده و هنگامیکه خروج کند عمامه ای را بر سر می نهد و در مقام نماز خوانده و دعا می کند و پس هیچ درخواستی از ایشان دریغ نمی شود). ^(۱)

۱ - صف ۸-۹.

۲ - قمی: ج ۲ ص ۳۶۵.

۳ - إكمال دین: ۱۸.

۴ - نمل: ۶۲.

خداوند متعال فرمودند: (قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى) (۲) (بگو همگی شما در معرفی کمین هستید و کمین کنید و در نهایت خواهید فهمید که اصحاب صراط چه کسانی هستند و چه کسانی هدایت شده اند)

از عیسی بن داود از امام کاظم (ع) در مورد تفسیر آیه بالا سؤال کرد و حضرت (ع) فرمود:

(فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى) (که به زودی خواهید دانست ما و شما کدام به راه مستقیم سعادت رفته و طریق هدایت یافته ایم و کدام به راه جهل و شقاوت شتافته ایم) امام (ع) فرمودند: الصِّرَاطِ السَّوِيِّ همان قائم (ع) است و کلمه اهْتَدَى یعنی کسانی که به اطاعت ایشان هدایت شدند و همانند این آیه در کتاب خدا آمده است: (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) (۳) (و من کسانی را که توبه کرده و ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و سپس هدایت شوند را مورد عفو و بخشش قرار می دهم)

امام در تأویل این آیه فرمود: به ولایت ما هدایت می شوند. (۴)

خداوند فرمود: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) (آیا آن هنگام که آبتان به منجلاب تبدیل می گردد کیست که آبی گوارا را برای شما نازل می کند)

از ابو بصیر از امام باقر (ع) در مورد تفسیر آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) فرمودند ، این آیه در مورد قائم (ع) نازل شده و فرمودند: آن زمان که امامتان غائب است و شما از جای ایشان بی اطلاع هستید چه کسی امام ظاهر را برای شما می آورد که اخبار آسمان ها وزمین و حلال و حرام خداوند را برای شما آورد. (۵)

و ده ها آیه دیگر که به امام مهدی (ع) وعده داده و هر کس مطالب بیشتری در این خصوص بخواهد به کتب معتبر حدیث رجوع کند .

بلاهای امت در غیبت امام مهدی (ع)

۱ - تأویل الایات: ج ۱ ص ۴۹۳.

۲ - طه: ۱۳۵.

۳ - طه: ۸۲.

۴ - تأویل الایات: ج ۱ ص ۳۲۳.

۵ - اکمال دین: ج ۱ ص ۱۲۵.

کسانی که روایات صادره از اهل بیت (ع) را پیگیری می کنند اینگونه خواهند یافت که بزرگترین بلا یا همان مصیبت غیبت امام قائم (ع) است که به خاطر ازدیاد آشوبها و فتنه ها در آن دوران جهل و تاریکی است و به همین خاطر به تفصیل این بلا یا را از طریق روایات اهل بیت (ع) مرور می کنیم .
از امام علی (ع) آمده است که فرمودند: (این آیه در مورد ما نازل شده است: **(وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد باشد که آنان [به توحید] بازگردند)**

و امامت در فرزندان حسین (ع) تا روز قیامت جاری است و غائب ما دو غیبت خواهد داشت که یکی کوتاه و دیگری بلند مدت است اما اولی شش روز یا شش ماه یا شش سال به طول می انجامد و دیگری بیش از آنکه تصورش را بکنند ، و هیچ کس بر این امر پایدار نخواهد ماند مگر آنانکه به ما ایمانی قوی و یقین داشته باشند)^(۱)

از امام رضا (ع) که ایشان از پدرانش از حضرت علی (ع) که ایشان نیز از پیامبر خدا (ص) نقل کرده و می فرماید: (قائم از فرزندان من را با عهدی که برای او نوشته شده غیبت می کند تا اینکه اکثر مردم بگویند: که خدا نیازی به آل محمد ندارد وعده ای دیگر در ولادت ایشان شک کنند ، و کسی که زمانش را درک کند بایستی به دینش متمسک شود و به شیطان اجازه ندهد که بر شک او مستولی شود چرا که او را از امت دور می کند و از دین من خارج می شود، همان گونه که پدرتان را از بهشت بیرون کرد و خداوند شیطان را ولی مشرکان قرار داد)^(۲)

از اصبع بن نباته روایت است که حضرت علی ع فرمود: در میان پرندگان همانند زنبور باشید چرا که دیگر پرندگان با نگاه حقارت به آنها می نگرند و اگر پرندگان بدانند که چه برکتی درون زنبور هست هرگز اینگونه با آن نگاه نمی کردند، با زبان و بدنتان با مردم معاشرت کنید ولی قلبهایتان و کارهایتان را از آنها دور کنید ، به خدا سوگند که آن چیزی را که دوست دارید بدست نمی آورید تا آن زمان که در صورت یکدیگر آب دهان بیاندازید و عده ای عده دیگر را دروغگو خطاب کنید تا اینکه از شما باقی نماند -یا فرمودند: از شیعه ام -کسی باقی نمی ماند مگر به اندازه سرمه در چشم و یا نمک درغذا ، و برای شما مثالی می آورم، و آن مثل شخصی که غذایی را تهیه می کند و آن را پاک می کند و در خانه اش می گذارد و پس از مدتی دوری دوباره به خانه می آید و می بیند که در غذایش

۱ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۴۴.

۲ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۴۴.

حشره رفته است دوباره غذایش را تمیز می کند و حشره ها را دور می کند و می گذارد و خانه اش را دوباره ترک می کند و پس از بازگشت دوباره می بیند که در غذا حشره رفته دوباره آن کارها را انجام می دهد و آنقدر این کار را انجام می دهد تا زمانی که دیگر غذایش در همان حال باقی بماند و دیگر هیچ حشره ای نتواند به آن ضرر برساند شما نیز این گونه هستید آن قدر آزمایش می شوید تا گروهی اندک که هیچ خطایی در کارشان نباشد باقی بمانند.^(۱)

از عبدالله بن عباس از پیامبر (ص) فرمودند: (... نهمین آنها قائم اهل بیتم و مهدی امتم می باشد شبیه ترین مردم به من در شکل و گفتار و کارهایش ، پس از غیبتی طولانی و حیرتی تاریک ظهور می کند ، و امر خدا را اعلان می کند و دین خدا را ظاهر می کند و بوسیله خداوند و فرشتگان او پیروز می شود)^(۲)

خداوند می فرماید: (وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ) (و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی آمد نباشید که دوره انتظار بر آنها طولانی گذشت و دلهایشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند)^(۳)

از امام صادق (ع) در تأویل این آیه آمده که فرمودند: (این آیه برای اهل زمان غیبت و روز های آن و نه برای زمان دیگری نازل شده است و منظور از امد همان مدت زمان غیبت است)^(۴)

امام موسی ابن جعفر (ع) فرمود: اگر پنجمین فرزند از فرزندان هفتم غیبت کرد الله الله دینتان را حفظ کنید ، و کسی شما را از آن دور نکند ، ای فرزندانم حتماً صاحب این امر غیبت خواهد کرد تا اینکه کسی که خود را بر این امر می بیند از آن خارج شود، در صورتی که آن محنتی از خداوند عز و جل است که با آن خلقش را امتحان نمود)^(۵)

از همان تمار گفت: (نزد ابی عبدالله (ع) نشستیم بودیم که به ما فرمود: حتماً صاحب این امر غیبت خواهد کرد ، و کسی که در این مدت به دین خود پایبند مانده همانند کسی است که خار را در دست

۱ - الزام الناصب: ص ۲۴۴ ، غیبت نعمانی: ص ۲۱۷ .

۲ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۸۶ .

۳ - حدید: ۱۶ .

۴ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۹ .

۵ - الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۰۲ ، کافی: ج ۱ ص ۳۷۶ .

خود مشت کرده است سپس فرمود - این چنین با دستش - و کیست از شما که این گونه خار را در دست گیرد؟...^(۱)

از ابان بن تغلب گفت: امام صادق (ع) فرمود: چه حالی خواهید داشت اگر ضربه ای کشنده در بین دو مسجد وارد شود و علم مخفی شود همانطور که مار در سوراخش مخفی شود و شیعه با هم اختلاف پیدا کند و همدیگر را دروغگو خطاب کنند و در صورت همدیگر آب دهان بیندازند؟ گفتم: فدایت شوم، هیچ خیری در آن زمان نیست، فرمود: همه خیر در آن است و آن را سه بار تکرار کرد^(۲)

از امام صادق (ع) فرمود: (حضرت امیر المؤمنین (ع) پس از کشته شدن عثمان هنگامی که مردم با او بیعت کردند به بالای منبر رفت و خطبه ای خواند و فرمود: محنت و بلوای شما به همان حالت اول آن مانند آن هنگام که خداوند پیامبر (ص) را مبعوث کرده بازگشت و قسم به کسی که ایشان را به حق مبعوث نمود که شما سخت آزموده شوید و سپس غربال و الک شوید، تا پائین ترین شما بالاترین شما برگردد و بالاترین شما به پائین ترین شما تبدیل شود و کسانی که در دین خود کوتاهی و تقصیر داشته از همه سبقت بگیرند و کسانی که در امور دینی از همه پیشی گرفته بودند در این امر کوتاهی کنند، و به خدا سوگند که هیچ چیزی را پنهان نکردم و هیچ دروغی نگفتم ام و به من از این روز و این مقام خبر دادند^(۳)

از ابن ابی یعفور گفت: (شنیدم که امام صادق (ع) فرمود: وای بر طاغیان عرب از آن زمانی که ظهور نزدیک باشد. گفتم: چه تعدادی از اعراب قائم شما را همراهی می کنند؟ فرمود: تعدادی اندک، گفتم: ولی کسانی که از اعراب ادعای همراهی ایشان را می کنند بسیارند، فرمود: مردم حتماً مورد آزمایش و امتحان و الک قرار می گیرند و تعداد زیادی از مردم در الک خارج می شوند^(۴)

۱ - کافی: ج ۱ ص ۲۷۶ .

۲ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۸ .

۳ - اصول کافی: ج ۱، غیبت نعمانی: ص ۲۰۹ .

۴ - اصول کافی: ج ۱ ص ۴۱۷، غیبت نعمانی: ص ۱۱۲ .

شود مگر بعد از یأس و ناامیدی ، نه به خدا سوگند تا اینکه از همدیگر تمیز داده شوید ، نه به خدا سوگند که تا آن هنگام که مورد آزمایش قرار بگیرید ، و نه به خدا سوگند تا در این امر سعادتمندان در آن سعادتمند و بد بختان در آن بدبخت تر شوند^(۱)

از امام ابی جعفر (ع) فرمود: (دل مردان از این سخن شما بی زار می شود ، پس کسی که به آن اقرار کرد از این علم بیشتر به او بدهید ، و کسی که انکار کرد رهایش کنید ، چرا که حتماً امتحانی هست که در آن ناخالصی ها زدوده شود و کسانی که یک مو را به دو قسمت می شکافند (متبحر در امور دینی) از گردونه این امتحان بیرون روند حتی جز ما و شیعه ما کسی باقی نمی ماند)^(۲)

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود (و از بزرگترین امتحانات این است که مردم فکر می کنند او پیرمرد بزرگ سال است ولی بصورت جوان به سوی آنها باز می گردد)^(۳)

ابو بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند: (این امر را کسانی یاری می کنند که دیگران هیچ انتظاری از آنها ندارند و اگر زمان امر ما فرا رسید کسانی که امروزه بر عبادت او ثان (بت های بشری) مشغول هستند از این امر خارج خواهند شد.^(۴)

و در حاشیه غیبت طوسی چنین شرحی بر این حدیث آمده: (و شاید مراد از این حدیث که بیشتر یاران حق در آن زمان کسانی هستند که جایگاهی در دین ندارند و اگر قائم ظهور و خروج کرد خیلی از کسانی که مردم آنها را صاحب دین می دانند و خیلی های دیگر را متدین و دین دار در حالی که در حقیقت و مجاز آنها عبادت کنندگان بت های بشری (او ثان) بوده، و یا هنگام ظهور امام به عبادت او ثان مشغول می شوند .

اما احتجاج دینداران و صاحبان فرهنگ وسیع و نحوه مواجه آنها با امام، آنها با تأویل قرآن بر امام به مقابله می پردازند و با آن تأویلات بر علیه امام به مبارزه بر می خیزند و معرفت علوم قرآنی و تأویل قرآن را نمی توان به مردم عادی نسبت داد و حتی نمی توان آنها را به اهل فرهنگ متوسط نیز نسبت دهیم بلکه آن مختص طبقه بالای اهل فرهنگ علوم دینی و علم واز جمله آنها علمای سوء است .

۱ - اصول کافی: ج ۱ ص ۴۱۷ .

۲ - اصول کافی: ج ۱ ص ۴۱۸، غیبت نعمانی: ص ۲۱۰ .

۳ - غیبة النعمانی: ص ۱۹۴ .

۴ - غیبت طوسی: ص ۲۹۷ .

از محمد بن ابو حمزه از بعضی از اصحاب امام صادق (ع) روایت می کند که امام فرموده: (قائم ما رنج و مصیبتی را که خواهد کشید که رسول خدا (ص) با آن مواجه نشده است چرا که پیامبر به مبارزه با بت های چوبی و سنگی پرداخت و اما قائم، با تأویل قرآن بر ایشان خارج می شوند و به خاطر آن با او می جنگند. ^(۱)

و از ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) روایت می کند که فرمود: (صاحب الامر از مردم زمانه رنج هایی را خواهند دید که رسول خدا (ص) در زمانش دیده، حتی سخت تر خواهد دید. ^(۲)

از محمد ابن منصور عقیلی از پدرش روایت می کند که من و حارث بن مغیره و جماعتی دیگر از اصحاب نزد امام صادق (ع) نشستیم و ایشان به سخنان ما گوش می کردند، پس به ما فرمود: (شما چگونه تصور می کنید؟ هیئات هیئات به خدا سوگند کسی که برای بیعت با او گردن هایتان را جلو می برید نخواهد بود مگر اینکه همگی شما مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرید و خوب از بد جدا شود و عده ای از شما مأیوس شوند و به او سوگند کسی که برای بیعت با او گردن هایتان را جلو می برید نخواهد بود و قائم ما ظهور نمی کند تا آنگاه که و سیاه بختان در این امر سیاه بخت تر و سعادتمندان، سعادتمند تر شوند) ^(۳)

شکست در شناخت امام مهدی (ع) و استقبال از ایشان

در مقدمه این بحث صحبت آمده که از عده ای از امت در معرفت و استقبال از امام (ع) شکست می خورند و آنها اکثریت هستند همچنین قسمت دوم در همراهی و اطاعت امر امام (ع) شکست می خورند. پس مجموعه اول و سپس مجموعه دوم را با اعتماد بر روایات و احادیث شریفه اهل بیت (ع) خواهیم شناخت چرا که ما جواب در کلام آنها و نه در غیر آنها (ع) می دانیم، و سبب شکست این عده در معرفت امام دلایل بسیاری دارد. مثلاً عده ای تصور می کنند که امام پیرمرد بزرگ سال است ولی بصورت جوان به سوی آنها باز می گردد، و دیگر عده کثیری از منحرفین که توسط امام کشته می شوند، یک عده بدعت در دین می آورند و آنها را نیز امام می کشد و از جمله آن تعداد زیادی از علمای سوء که مردم فکر می کنند آنها از صالحین هستند را می کشد، و همان طور از آن جمله این است که امام با کتابی جدید و سنتی جدید می آید و دین را از نو پایه گذاری می کند و

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۸.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۸.

۳ - اصول کافی: ص ۴۱۸.

اینکه یاران او از طبقه مستضعف و ناتوان جامعه هستند و تبعیت از آنها برای بزرگان سخت است و از آن جمله طولانی شدن مدت غیبت و قساوت قلب ها و دیگر چیزها می باشد ...
از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: (آن هنگام که قائم ظهور کند مردم او را انکار می کنند چرا که بصورت جوانی موفق ظهور می کند و کسی بر امر او ثابت نمی ماند مگر کسانی که خداوند در عالم ذر اول از آنها پیمان گرفته است)^(۱)

و روایت ذیل الذکر یاد می کند که امام هفتاد تن از علمای شیعه را که اصل اختلاف هستند را خواهد کشت همان گونه که شیخ کورانی در کتاب عصر ظهور ص ۱۴۹ آورده است .
از مالک بن حمزه از امام علی (ع) فرمودند: (اگر شیعه این چنین دچار اختلاف شوند و دست هایش را در یکدیگر فرو برد ، چه خیری می بینی ؟ گفتم : هیچ خیری در آن نیست فرمود که تمامی خیر در آن است چرا که قائم ما ظهور می کند و پس از ظهورش هفتاد تن از علمای سوء را که به خدا و رسولش دروغ نسبت می دهند می کشد و سپس بعد از آن مردم را بر یک امر واحد جمع می کند)^(۲)

امام باقر می فرماید: (و آن هنگام که قائم ما ظهور کند و به سوی کوفه روانه شود عده ای که بتربه نامیده می شوند و به تعداد ده هزار نفر بر امام خروج می کنند و در حالی که سلاحشان را نشانه کرده و به قائم ما می گویند که ای پسر فاطمه از همان راهی که آمدی باز گرد ما را با تو کاری نیست و امام همه آنها را می کشد و سپس وارد کوفه می شود و تمامی منافقین را می کشد و جنگجویان آنها را نیز می کشد تا آنگاه که خداوند راضی شود)^(۳)

اما کیفیت شروع دعوت امام (ع) و بیزاری مردم از آن و دشمنی آنها با آن و نفرین مردم بر پرچم امام (ع) که آن را از کلام ائمه با هم می خوانیم .

ابان بن تغلب گفت: (شنیدم امام صادق (ع) فرمود: اگر پرچم حق ظاهر شود اهل شرق و غرب زمین بر آن لعنت می فرستند می دانی چرا ؟ گفتم : خیر فرمودند : به خاطر آن کارهایی است که مردم از اهل بیت او قبل از خروج می بینند و در روایتی دیگر از آنچه که از بنی هاشم می بینند)^(۴)

۱ - غیبت طوسی: ص ۲۸۳، غیبت نعمانی: ص ۲۱۹.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۱۴.

۳ - بحار الانوار: ج ۵۲.

۴ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۸.

ابی بصیر از امام صادق (ع) می فرمایند: (قائم ما خروج نمی کند تا آن هنگام که حلقه تکمیل شود . پرسیدم که حلقه چند نفر است ؟ فرمود ده هزار نفر و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او هستند ، و وی پرچم را تکان می دهد و با آن حرکت می کند و کسی از اهل شرق و غرب جهان نمی ماند مگر آن را لعنت می کند و آن رایتی است که جبرئیل در روز بدر بر پیامبر (ص) نازل کرد)^(۱)

از ابی یحیی حکیم بن سعد نقل است که گفت از حضرت علی (ع) شنیدم که فرمود: (همانا یاران قائم جوانان بوده و افراد بزرگ سال در میان آنها نیست مگر مانند سرمه در چشم یا نمک در طعام هستند و کمترین طعام همان نمک است)^(۲)

از ابراهیم ابن عبد الحمید آمده که کسی که از امام صادق (ع) شنیده به من گفت که حضرت فرموده اند: (اگر قائم ما خروج کند بسیاری از اهل دین که خود را از اهل این امر می دانند او را یاری نمی کنند و از امر سرپیچی می کنند و افرادی همانند ماه و خورشید پرستان به آن ملحق می شوند)^(۳) و این روایت دلالت بر آن دارد که بسیاری از افرادی که تصور می کردند از یاران امام (ع) هستند و مردم آنها را نیز چنین تصور می کردند از امر یاری امام مهدی (ع) خارج می شوند و بسیاری از کسانی که مردم در مورد آنان تصور می کنند که دین ندارند و یا ایمانشان ضعیف است در زمره اصحاب آن امام قرار می گیرند بعد از آنکه خداوند بر آنها منت نهاده و آنها را هدایت می کند .

شکست در همراهی و حرکت با امام مهدی (ع)

بسیاری از ملت ها در همراهی با انبیاء شکست خوردند بعد از آنکه آنان را شناختند و ایمان آوردند و این بار تاریخ نیز دوباره تکرار خواهد شد در آن هنگام که امام ظهور کند و بسیاری در همراهی با امام شکست می خورند و بر آن امام می شورند و قیام می کنند .

از امام صادق (ع) فرمود: قائم با احکامی حکم می کند که بعضی از یارانش که در جنگ هم رکاب ایشان بودند آن را قبول نمی کنند و آن حکم آدم (ع) است پس سر آنها را می زند . و نیز برای بار دوم حکم می کند و بعضی دیگر از یارانش که با وی در جنگ هم رکاب بودند هم رد می کنند که آن حکم داود (ع) است پس سر آنها را می زند . و برای بار سوم حکم می کند و گروه دیگری از یارانش

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۲۰.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۳۰.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۳۳۲.

آن را قبول نمی کنند و آن حکم ابراهیم (ع) است . سپس حکم چهارم را می کند و آن حکم محمد (ص) است پس دیگر کسی آنرا انکار نمی کند. ^(۱)

از امام صادق (ع) روایت است که فرمودند: اینگار می بینم آن روزی را که قائم در مسجد کوفه بر منبر نشسته و اصحابش در کنارش گرد آمده اند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب پیامبر (ص) در جنگ بدر هستند و آنها صاحب ولایت و حاکمان خدا بر سرزمینش هستند ، پس از آن قائم کتابی را در می آورد که مهر شده به طلا است عهدی از طرف رسول خدا (ص) است و آنها هاند گله گوسفند از وی گریزان می شوند ، و هیچ کس با او نمی ماند جز یک وزیر و یازده تن دیگر ، همانگونه که با موسی بن عمران این تعداد باقی ماندند.

و آنها در زمین می گردند و دوباره به سوی او رجوع می کنند ، و من صحبتی را که به آنها خواهد گفت را می دانم ، و آنها به وی کافر می شوند ^(۲)

شایسته است که هر انسان مؤمنی این روایات را می خواند از ترس بلرزد چرا که کسانی به امام کافر می شوند که جزء ۳۱۳ نفر هستند . از خدا می خواهیم که ما را از شر فتنه ها و بلاها دور کند و توفیق شناخت و معرفت امام را بدهد و ما را از یاران ایشان قرار دهد .

از فضل بن عبدالرحمن بن ابی هاشم از علی بن ابی حمزه از ابو بصیر از امام صادق (ع) فرموده اند: (اصحاب قائم همان گونه که اصحاب موسی با نهری آزموده شدند آزموده می شوند و این معنای آیه قرآن است که (إِنَّ اللَّهَ مَبْتَلِكُمْ بِنَهْرٍ) و خداوند به چیزی همانند آن آنها را مورد امتحان قرار می دهد ^(۳)

از امام باقر (ع) روایت است: آن هنگام که به ثعلبیه می رسد مردی از نسل پدرش بلند می شود به استثنای صاحب امر قوی هیکل و شجاع ترین مردم است و از ایشان می پرسند : چه کار می کنی ؟ به خدا سوگند که تو مردم را فراری می دهی مانند فرار چهارپایان آیا این عهدی است معهود از پیامبر (ص) یا اینکه چیز دیگری است ؟ پس مولای مسؤل گرفتن بیعت بلند می شود و به او می گوید : ساکت شو به خدا سوگند که گردنت را می زخم . پس قائم می گوید : ای فلانی آرام باش . بله به خدا سوگند که من همراهم عهدی از رسول خدا (ص) دارم و سپس ندا می دهد که ای فلان

۱ - ما بعد الظهر: نوشته سید صدر ص ۵۰۹.

۲ - ما بعد الظهر: نوشته سید صدر ص ۵۱۰.

۳ - غیبت طوسی: ص ۳۷۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۳۲.

کیسه یا کیف را به من بده ، و آن را برای پیامبر را می آورند و ایشان عهد از رسول خدا(ص) قرائت می کند سپس آن شخص بلند می شود و به نزد قائم می رود و از او می خواهد که بگذارد سر او را بوسه کند و قائم می پذیرد و پس از آن به قائم می گوید می خواهیم دوباره با تو بیعت کنیم و امام نیز با آنها بیعت می کند^(۱)

از امام صادق(ع) فرمود: (فردی می خواهد بر سر قائم امر و نهی کند و قائم ما می گوید که او را دستگیر کنید و پس از دستگیری به نزد امام می آورند و وی دستور می دهد که گردن او را بزنند پس از آن شرق و غرب زمین از وی می ترسند)^(۲)

از امام صادق(ع) که از پدرانش(ع) که آنها نیز از پیامبر خدا(ص) که فرموده اند: (در آن هنگام که به آسمانها به نزد خدای خویش عروج کردم و تا اینکه صحبت ایشان به اینجا رسید که :سرم را بلند کردم و دیدم که در وسط نورها ، نورهای علی(ع) و فاطمه(س) حسن(ع) و حسین(ع) و علی بن الحسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و هجت بن الحسن قائم که همانند یک ستاره درخشنده می درخشد هستم و از خدا پرسیدم که این ها کیستند ؟ فرمود : اینها ائمه هستند و این قائم است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند با او از دشمنانم انتقام می گیرم و او مایه آرامش مؤمنان است و اوست که دل شیعیان تو را از کینه دشمنانشان پاک می کند و لات و عزری را (یا خلیفه اول و دوّم) را از قبر بیرون می آورد و به سزای اعمالشان می رساند که فتنه مردم به واسطه آنها در آن زمان از فتنه گوساله سامری سخت تر و دشوار تر است)^(۳)

بشر النبال از امام صادق(ع) روایت می کند که فرمود: (می دانی اولین کاری را که قائم انجام می دهد چیست ؟ گفتم : خیر. فرمود: این دو را (یا خلیفه اول و دوّم) را از قبرهایشان درحالی که جسدهایشان تازه است خارج می کند و می سوزاند و در هوا پراکنده می کند و سپس مسجد را خراب می کند، آنگاه فرمود که رسول خدا(ص) فرمود : عریشی است مانند عریش موسی(ع) و ذکر کرد که مسجد رسول خدا(ص) در ابتدا از گل بوده و اطرافش را از لیف نخل ساخته شده بود)^(۴)

۱ - بحار الانوار: ج ۵۲ .

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۶ .

۳ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۷۹ .

۴ - بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۸۶ .

از امام صادق (ع) فرمود: و اگر قائم (ع) بیاید دیواری را که بر سر قبر (دو خلیفه اول و دوم) است را خراب می کند خداوند بادهای شدیدی را می فرستد و رعد و برق در آسمانها ظاهر می شوند و طوفان های عظیمی به پا می شوند که همگی مردم می گویند این خود اوست پس یارانش از پیش او فرار می کنند تا اینکه کسی از آنها پیش او نماند و آن هنگام که تیشه را بلند می کند و اولین کسی خواهد بود که بر دیوار می کوبد پس اصحابش به سوی ایشان می آیند و به یاریش می شتابند و ثواب آن کس که بر دوستش سبقت میگیرد و زودتر به یاری امام می شتابد از بقیه بیشتر است تا اینکه قبر را خراب نموده و جسد آن دو را درحالی که جسدهایشان تازه است بیرون می آورد و آنها را لعنت می کند و از آنها بیزاری می جوید سپس آنها را اعدام کرده و پایین می آورد و آتش می زند و سپس خاکستر آنها را در هوا منتشر می سازد. (۱)

حال می گویم : که شایسته است هر انسان مؤمنی که این روایات را می خواند به خود بازگردد و از اینکه با اهل بیت (ع) دشمنی کند بترسد و شایسته است که شبانه روز در پی کسب رضای خداوند باشد تا شاید خداوند بر او منت نهاده و حق به او نشان دهد و به یاری آن بشتابد و با باطل دشمنی کند و برای خود الگویی را انتخاب کند که احکام قرآن و اهل بیت (ع) را جاری کند و نه فقط بدنبال دنیا باشد . اما اگر الگویی را که انتخاب می کنید فقط در پی ثروت و مقام باشند و دعوت به امام مهدی (ع) را ترک کردند بدانید که ترک امثال این اشخاص و عدم اتباع آنها واجب بوده بلکه جنگ با آنها واجب است زیرا که آنها امت را بشکل احزاب در خواهند آورد که همدیگر را لعنت کنند و در نهایت این اشخاص شما را از راه حق باز می دارند و امت را به دشمنی با امام مهدی (ع) و عدم یاری ایشان جلو می برند و کسی که این چنین است شایسته الگو برداری نیست ، و اینکه اختلاف مطلقاً وحدت را در پی نخواهد داشت .

خاتمه

(ارشاداتی از اهل بیت (ع) برای نجات از فتنه ها قبل از قیام قائم (ع))

در این بحث انواع فتنه ها و سختیهای آن و سرگردانی مردم و حیرت آنها در این فتنه ها را آورده ایم و تا اینکه بسیاری از کسانی که مدعی علم و دین بوده در این فتنه ها سرگردان می شوند و در امتحان شکست خورده و در نهایت امام (ع) گردن آنها را خواهد زد .

و شاید این نکته به ذهن خطور کند که آماده شدن برای استقبال از امام و همراهی او کاری خارج از ظرفیت انسانی باشد، و بایستی راههای نجاتی باشند که انسان را از آن گمراهی ها و خطرات برهاند و به ساحل امان و امنیت برسانند.

و در جواب این سوال می گوئیم: که تمامی مردم بدون استثناء اعم از عالم و جاهل همگی در امتحان قبل از قائم (ع) مورد آزمایش قرار می گیرند و لیکن راههای نجاتی وجود دارد و بایستی شخصی آنها را ترسیم کند که خود از هر گونه خطا و لغزشی به دور باشد و آنها کسی نیستند جز ۱۴ معصوم (ع) و ما با تمسک به راه آنها به دور از هیچگونه تقلید کورکورانه یا تعصب های بی جا می توانیم نجات یابیم و در اینجا ما به صورت مختصر بعضی از راهها را برای شما بازگو می کنیم.

1- رجوع به قرآن کریم :-

از امام باقر (ع) فرمودند: (... به امر ما توجه کنید و آنچه که از ما برای شما نقل کردند بر قرآن عرضه کنید اگر موافق بود عمل کنید و اگر مخالف بود پرهیز کنید و اگر امر بر شما مشتبه شد توقف کرده و به سوی ما مراجعه کنید و ما جواب آن را به شما خواهیم داد همانگونه که جواب به ما داده شده و اگر اینگونه بودید و به هر آنچه ما خواستیم عمل کنید و هرکس که این کار را انجام دهد قبل از آن که قائم ما خروج کند و بمیرد شهید مرده است و اگر زمان قائم ما را درک کند و در رکاب ایشان بمیرد برای ایشان ثواب دو شهید نوشته می شود و اگر کسی دشمن ما را بکشد برای ایشان ثواب بیست شهید نوشته می شود)^(۱)

و دلیل آن است که مردم قرآن را بر میل خویش تفسیر خواهند نمود و روایت زیر در مورد یکی از کارهای مهم امام (ع) که در هنگام قیام یا بعد از آن انجام می دهد صحبت می کند.

از امام علی (ع) فرمود: (هوای نفس را به سمت هدایت معطوف می کند آنگاه که هدایت بر هوای عطف شود ورأی را به سمت قرآن می برد آنگاه که قرآن را بر رأی عطف شود)^(۲)

یعنی امام مهدی (ع) در هنگام ظهورش امت را بر آن می بیند که قرآن را بر حسب هوای نفس خویش و با درک و فهم قاصر خود تفسیر کرده اند پس این افعال ناپسند را منهدم می سازد و رای و هوای را به سوی قرآن رهنمون می کند اگر موافق قرآن بود بکار گرفته می شود و اگر مخالف آن بود از میان بر می دارد، و بدیهی است که مردم عامه نمی توانند قرآن را تفسیر نمایند و این کار مخصوص

۱ - بحار الانوار ج: ۵۲ ص ۱۲۳.

۲ - غیبت طوسی: ص ۲۸۲.

طبقه خاصی است که بر حسب احوال خویش قرآن را تفسیر می نمایند و آنان علماء سوء زمان و طرفداران آنها بوده ، و مردم عادی در این کار از آنها پیروی می کنند .

پیامبر خدا (ص) فرمود: (که بر امت پس از خویش از سه چیز می ترسم اوّل اینکه قرآن را بر حسب حال و هوای خویش تأویل کنند و دوّم اینکه دنباله رو خطای عالم باشند و سوّم ظهور پول و رفاه در جامعه تا اینکه طغیان کنند و به عیش و نوش بپردازند ، پس راه نجات از این سه مورد این است که از محکمات قرآن پیروی کنید و به متشابه آن ایمان بیاورید و اینکه به رفتارهای عالمان بنگرید و دنباله رو خطاهایشان نباشید و راه نجات از پول ، ادای حق آن و شکر نعمت است ^(۱)

2- اقتداء به امام مهدی(ع) قبل از ظهور و قیام مبارک ایشان (ع) :-

امام صادق(ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده اند خوشا به حال آنان که زمان قائم اهل بیت را درک کنند و قبل از قیامش به او اقتداء کنند و با دوستان او دوست و از دشمنانش اجتناب ورزند و موالی ائمه اهل بیت(ع) قبل از آمدن ایشان باشد که آنان دوستان من و حیب و محب من و کریم ترین امت من بر من هستند و درجای دیگر (کریم ترین خلق خداوند بر من هستند) ^(۲)

و این تشویق بر اقتداء به اخلاق امام مهدی(ع) قبل از ظهور و قیام است و مقدمه چینی برای معرفت و شناخت مردم از امام مهدی (ع) و انتظار و تمهید برای ایشان و عدم تبعیت از اشخاص که به سوی خود دعوت می کنند و امام را پشت سر خود نهادند . إنا لله و إنا إليه راجعون .

3 - اهتمام به مطالعه و تحصیل روایات اهل بیت(ع) :

از زراره بن اعین روایت است که گفت : از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود : و ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد: که فلان شخص همان امیر است ، ندا دهنده ای ندا می دهد : بدرستیکه علی و شیعه او رستگارند .

پرسیدم : که بعد از آن چه کسی بر علیه مهدی به مبارزه بر می خیزد ؟

فرمود: بدرستیکه شیطان ندا می دهد که حق با فلانی و شیعیان اوست - نام مردی از بنی امیه را می برد .

گفتم : چه کسی راستگو را از دروغگو تشخیص می دهد ؟

۱ تفسیر برهان

۲ - غیبت نعمانی: ص ۱۲۳ .

فرمود: حقیقت را کسانی که حدیث ما را تحصیل می کنند، و می گویند: و خبر ایشان را قبل از اینکه بیاید می دهند، و می دانند که آنها خود محق و صادقاند^(۱)

امام صادق (ع) شیعیان را به روایت احادیث خود به مردم تشویق می کند و بیان فتنه ای که قبل از امام (ع) اتفاق می افتد و بیان راه چاره خروج از آن به مردم است تا اینکه مردم قبل از آن آماده بوده و بصورت حیران که حق از باطل را تشخیص نمی دهد نمانند و بر هر منبری و طالب علم واجب است که بر قضیه امام مهدی (ع) و فتنه های قبل از آن تمرکز کرده و مجالس و منابر احادیث بسیاری را برای مردم بازگو کند نه آنکه به مواردی روی بیاورند که سالهاست دیگر پوسیده شده اند و هر ساله نیز آنها را تکرار می کنند. آیا کسی که به حق دعوت می کند شایسته تر است که تبعیت شود یا آن کس که به باطل هدایت می کند؟

آیا نمی اندیشید تا اینکه حق در این زمان را درک کنید که همان قضیه امام (ع) است ارواح ما فدای قدمش باد.

4 - پناه بردن به دعا و تضرع به درگاه خداوند:

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: (شبه های فراوانی بر شما نازل خواهد شد و شما حیران زده باقی خواهید ماند که چه کاری انجام دهید و هیچ امامی نیست که هدایتتان کند و کسی از آن نجات نخواهد یافت مگر کسی که با دعای غریق از خدا طلب نجات کند سپس فرمود: ای خداوند بخشنده و مهربان، ای دگرگون کننده قلبها، قلب مرا بر دینت ثابت و پایدار نگاه دار)^(۲)

از زراره بن اعین از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: (حتماً برای این غلام غیبتی خواهد بود، گفتم: علت چیست؟ فرمودند: در حالی که با دست به شکم خویش اشاره می کرد، ایشان همان فرد منتظری است که مردم در ولادتش شک می کنند و عده ای از آنها می گویند: به دنیا آمد و عده دیگر می گویند که پدرش مرد در حالی که هیچ فرزندی نداشت و عده دیگر می گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرش به دنیا آمد. زراره می گوید به امام گفتم اگر من آن زمان را درک کنم شما چه دستوری می دادید که من برای حفظ دین خود انجام دهم؟ حضرت فرمود: این

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۷۳.

۲ - إلیزام الناصب: ج ۱ ص ۴۱۷.

دعا را بخوان : اللهم عرفني نفسك فانك إن لم تعرفني نفسك لم أعرفك ، اللهم عرفني نبيك فانك ان لم تعرفني نبيك لم اعرفه قط ، اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني ^(۱)

در این حدیث تأکید بسیار شده بر پناه بردن به دعای و تضرع به درگاه خدا در نجات یافتن از فتنه ها و آشوب های زمانی که قبل از قیام امام (ع) اتفاق می افتد و بر همه کسانی که متصدی اصلاح مردم هستند واجب است که مردم را به سوی خدا و امام مهدی (ع) توجیه کنند و از توجیه آنها به سوی خود جهت طلب جاه و مکان و مال و اتباع خوداری کنند .

بیایید تا دیر نشده و قبل از اینکه امام مهدی (ع) بیاید مردم را به سوی او رهنمون کنیم که اگر ظهور کرد چه بهانه و عذری خواهید داشت؟ چه جوابی دارید آن هنگام که امام سوال کند چرا مردم را متفرق ساختید و سبب شدید که در صورت یکدیگر آب دهان بیاندازید .

5- با دین خود فرار کردن:

عبد العظیم بن عبدالله حسنی از امام رضا (ع) روایت کرده که فرمود : اگر پسر علی فوت کند ، پس از او نورهایی می آیند و خاموش می شوند و آتش بر شك کننده ها شعله ور می شود ، خوشا به حال غریبانی که به خاطر دینشان فرار کنند ، چون آن فتنه ها جوان را پیر می کنند ، و چیزهای محکم را نابود می سازند و از بین می برند . ^(۲)

از عمیره بن ثقیل آمده است : که از رسول خدا(ص) شنیده که روزی اسامه ابن زید به نزد پیامبر(ص) رفته رسول خدا (ص) فرمود : ای اسامه و تا اینکه حدیث به اینجا رسید و گفت : ناگاه صدای گریه رسول خدا(ص) بلند شد و هیچ کس جرأت نکرد که از رسول خدا چیزی پرسد و همگی گمان می کردند که چیزی در آسمانها اتفاق افتاده که رسول خدا این چنین گریه می کند ، پس از چند لحظه رسول خدا (ص) نفس عمیقی کشید و فرمود : وای بر این امت ، وای بر این امت ، آنهایی که اطاعت خداوند را می کنند چه از دست این مردم که نمی کشند ، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند به خاطر اطاعت از خداوند آنها را ذلیل کرده اند ، و روز قیامت فرانی رسد مگر تا آن زمان که خداپرستان منفور و دنیا پرستان محبوب شوند ، عمر از رسول خدا (ص) سؤال کرد که آیا مردم آن دوره مسلمان هستند ؟ رسول فرمود : در آن روز دیگر اسلامی نمانده ، مسلمان مانند غریبه و متواری است و از اسلام جز نامش و از قرآن جز خط و رسم چیزی باقی نمی ماند . عمر پرسید :

۱ - اصول کافی: ج ۱ ص ۳۴۸.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۱۹۲.

و چرا خداپرستان مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می گیرند؟ فرمود: ای عمر مردم در آن زمان دنیا پرست هستند و آخرت را رها می کنند و به خاطر آن فرزندان فارس و روم به آنها خدمت می کنند و لباس های فاخر می پوشند و غذاهای گوناگون می خورند... اما اهل خدا، رنگ پوستشان از ترس خدا زرد است و دائم در نمازند، به خاطر روزه های زیاد شکم هایشان به کمرشان چسبیده و نفس هایشان را کشته اند و تشنه رضایت خداوند هستند و از عقاب او ترس دارند و هرکس از آنانکه سخن بگوید مردم دیگر به او می گویند: ساکت شو ای همنشین شیطان و رأس همه فتنه ها، کتاب خدا را بر غیر از تأویل خودش تأویل می کند و می گویند:

(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ) ^(۱)

(بگو چه کسی زینت خداوندی و ارزاق حلال و طیب را بر بندگان حرام نموده) ^(۲)

۶ - تبعیت از مقدمه سازان ظهور امام مهدی (ع) قبل از قیامت:

یکی از اوصاف امام (ع) تشبیه ایشان به خورشید است و یکی از خصوصیات خورشید این است که در هنگام غروب یک رنگ سرخ را از خود برجای می گذارد و قبل از طلوع نیز آن نور قرمز دوباره در آسمان ظهور می کند امام (ع) نیز این گونه است و در زمان غیبت صغری چهار نفر را به عنوان واسطه بین خود و مردم قرار داد که آنها رنگ قرمز غروب می باشند و همگی آنها را خدا رحمت کند و قبل از طلوع امام نیز عده ای هستند که با امام در ارتباط هستند و همانند رنگ سرخ طلوع به خورشید است و برای ظهور او مقدمه سازی می کنند و مردم را به سوی امام رهبری می کنند و این آیه آفاقیه امر امام (ع) را روشن می کند: (سُرِّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) ^(۳) (ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا و آیاتش بر حق است)

و حق همان امام مهدی (ع) است آن گونه که در تفسیر این آیه از اهل بیت (ع) آمده است.

۱ - أعراف: ۳۲.

۲ - إلزام الناصب: ج ۱ ص ۶۲.

۳ - فصلت: ۵۳.

و روایات بسیاری از ائمه (ع) در مورد مقدمه سازان ظهور امام (ع) آمده که مردم را به یاری امام مهدی (ع) دعوت می کنند و بشارت دهنده و بیم دهنده قیام صغری و آن قیام امام مهدی (ع) است و آنها حجت خداوند بر مردم و با امام در ارتباط هستند

(وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا) ^(۱) (و ما هیچ امتی را بیهوده عذاب نمی کنیم مگر آنکه برای آنها رسولی بفرستیم)

ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: (خداوند بزرگتر از آن است که زمین را بدون امام عادل بگذارد ، به ایشان گفتم فدایت شوم به آنچه با آن آرام می گیرم خبرم ده ؟ فرمود : ای ابا محمد نمی بینی که امت محمد (ص) خوشحال باشند تا زمانی که حکومت در اختیار بنی فلان است تا اینکه حکومت آنان به پایان برسد و اگر حکومت آنان منقرض شد خداوند برای آل محمد (ص) توسط مردی از ما اهل بیت گشایش خواهد نمود که مردم را به تقوی هدایت می کند و عمل و کار او هدایت است و در زمان حکومتش رشوه ای نمی گیرد و به خدا سوگند من او را و نام پدرش را می شناسم ، سپس مردی را که دو خال دارد و عادل است می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که از ظلم و ستم پرشده است) ^(۲)

امام صادق (ع) فرمود: (خروج این سه تا ، یمانی و سفیانی و خراسانی با هم در یک ماه و یک روز و یک ساعت ظهور می کنند و هیچ پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست زیرا که به حق هدایت می کند) ^(۳)

از عمار بن یاسر خدا از او شنود باد در خبری طولانی آمده: (... سه نفر درشام خروج می کنند که همگی خواستار پادشاهی هستند: مردی ابقع ، مردی بور و مردی از خاندان ابوسفیان که در دمشق ظهور می کند و مردم را می ترساند ... و قبل از او کسی خروج می کند که مردم را به سوی آل محمد (ص) هدایت می کند) ^(۴)

۱ - اسراء: ۱۵.

۲ - بشارة الإسلام: ص ۱۱۸.

۳ - غیبت طوسی: ص ۲۹۵.

۴ - غیبت طوسی: ص ۳۰۳.

امام صادق (ع) فرمود: (قائم ما ظهور نمی کند تا اینکه دوازده نفر قیام کنند همگی متفق می شوند که ما او را دیده ایم و مورد تکذیب قرار می گیرند) ^(۱)

عمار بن یاسر که خدا از او خشنود باد، گفت: (دعوت اهل بیت پیامبران در آخر الزمان است،

از جنگ و خونریزی دست بردارید و آرام باشید تا فرماندهان آن را ببینید) ^(۲)

از پیامبر (ص) روایت است که فرمود: (مردی از اهل قزوین خروج می کند که نامش نام یکی از انبیاست و مردم به سرعت گرد او جمع می شوند، مشرک و مؤمن و کوهها را می هراساند) ^(۳)

و در پایان به خاطر عدم احاطه به ارشادات و راهنماییهای ائمه (ع) در خروج از فتنه عذر خواهی می کم، و انشاء الله یک بحث مستقلی را با نام (المخرج من فتنه آخر الزمان) یعنی (راه خروج از فتنه آخر الزمان) را می نویسم که انشاء الله خواننده گرامی را کفایت کند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین

شیخ ناظم عقیلی

سایت انصار امام مهدی (مکن الله له فی الارض)

<http://farisy.almahdyoon.org>

<http://farsi.almahdyoon.org/>

<http://ar.al-mehdyoon.org>

Middle East >> Iran >> IiI Ansar Imam Mahdi IiI روم فارسی

Middle East >> Islam >> ansar al imam almahdy روم عربی

۱ - بشارت اسلام: ص ۱۰۷.

۲ - غیبت طوسی: ۲۹۲.

۳ - غیبت طوسی: ص ۹۴.